

## وضعیت غذا و کشاورزی در سال ۱۹۹۶

### گزارش سالانه سازمان خواربار و کشاورزی جهانی درباره کشاورزی جهان

رشد تولید جهانی کشاورزی در سه دهه گذشته روندی کند داشته است، بویژه در بسیاری از کشورها که کشاورزی منشأ اصلی اشتغال، رشد اقتصادی و درآمدهای صادراتی است این وضعیت ناامیدکننده بوده است. همان طور که در ویرایش جدید (کتاب) سازمان خواربار و کشاورزی جهانی تحت عنوان وضعیت غذا و کشاورزی (سوقا) گزارش شده است، تولید کشاورزی و دامی در سال ۱۹۹۵ در بیشتر منطقه‌های توسعه یافته و در حال توسعه به نحوی نامعمول پایینتر از عملکردهای متوسط بوده است. تنها مشخصه اصلی کاهشی به میزان ۸ درصد در تولید کشاورزی و دامی ایالات متحد بوده است. کاهش تولید غلات نیز بیش از ۲۰ درصد است. این کاهش شدید موجب تنزل ذخایر جهانی غلات برای سومین سال متوالی شده است. تا اوایل سال ۱۹۹۶ ذخایر (غلات) چنان تنزل کرده بود که از جهت امنیت غذایی باعث نگرانی جهانی شد.

در سال ۱۹۹۶، حدود ۲۶ کشور، که بیش از نیمی از آنها در آفریقا قرار دارند، با کمبودهای

غذایی مستلزم کمک اضطراری، روبه‌رو شدند. تعادل ظریف بین عرضه و تقاضا، همراه با قیمت‌های بالای بین‌المللی غلات، مشکلات مالی و امنیت غذایی کشورهای کم درآمد کم غذا را افزوده است. بسیاری از این کشورها، که پیش از آن هم گرفتار مسئله کاهش تولید غذایی داخلی بودند، با افزایش‌های چشمگیری در هزینه واردات غذایی روبه‌رو شدند. با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای فقیر حتی در تأمین اعتبار واردات ضروری مشکلات روزافزونی دارند کاهش مستمر در زمینه کمک توسعه‌ای و امداد غذایی، خود موجبی برای نگرانی جدی است.

قیمت بسیاری از کالاهای دارای اهمیت، برای صادرکنندگان کشورهای در حال توسعه در ۱۹۹۴ - ۱۹۹۵ افزایش فزاینده‌ای داشته است. بعد از یک دوره طولانی پایین بودن قیمت کالاها و خراب شدن مناسبات دادوستدی کشاورزی، این امر کمک چشمگیری برای نظامهای اقتصادی آنها شمرده شد. با این همه، این رونق در سال ۱۹۹۶ به پایان رسید. هرچند که پیشینی نمی‌شود قیمت کالاها به همان اندازه پیشین سست شود.

اصلاحات مربوط به سیاستگذاری در کشورهای صنعتی تداوم داشته است. از جمله، ایالات متحد در سال ۱۹۹۶ قانون بهبود و اصلاح کشاورزی فدرال (فیر) را تصویب کرد.

قانون جدید بر جدایی تصمیمگیریهایی مربوط به تولید از پرداختهای برنامه‌ای پایان می‌بخشد. هنگامی که این قانون به نحو کاملی به اجرا درآید، تأثیرات عمده‌ای بر کشاورزان آمریکایی، و از طریق آنها، بر کل جهان، برجا خواهد گذاشت.

## مرور منطقه‌ای

### آسیا و اقیانوس آرام

رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در آسیا و اقیانوس آرام دوباره از رشد اقتصادی همه کشورهای دیگر فراتر رفت. تمام کشورهای جنوب شرقی آسیا افزایش تولید شتابانی را نشان دادند، در حالی که رشد کلی در جنوب آسیا ثابت ماند. رشد تولیدات کشاورزی در سال ۱۹۹۵ به

## وضعیت غذا و کشاورزی در سال ۱۹۹۶

نحوه معنی داری تا ۱/۸ درصد کاهش پیدا کرد که از رشد جمعیت اندکی بیشتر بود. رشد اقتصادی سریع در بخش گسترده تر شرق آسیا، به بهای صدمه بسیاری بر محیط زیست تمام شده است. آسیا از نظر دسترس داشتن به آب آشامیدنی، پایینترین میزان سرانه آب شیرین در جهان را دارد و پیشبینی می شود که این کمبود وضع بدتری پیدا کند. در عین حال منطقه تا حدود زیادی مواجه با بسروی و سیر قهقرایی خاک بوده است. می توان پیشبینی کرد که تقاضای داخلی و بین المللی برای محصولات کشاورزی موجب فشار بیشتری بر محیط زیست شود.

## آمریکای لاتین و کارائیب

محیط اقتصادی آمریکای لاتین و کارائیب تحت تأثیر بحرانهای مالی اواخر ۱۹۹۴ مکزیک و سپس آرژانتین قرار گرفته است. تأثیر این بحرانها بر کشورهای دیگر منطقه، در حد نگرانیهایی مورد انتظار اولیه، نبود. در بیشتر این کشورها رشد فقط اندکی کند شد و کاهش تورم تداوم یافت. رشد کشاورزی منطقه، در سال ۱۹۹۵، ۱/۸ درصد بود که در مقایسه با رشد ۴ درصدی ثبت شده سال پیش از آن، ناچیز بود.

چشم انداز کشاورزی تا حدود زیادی براساس توانایی آن در غلبه بر مسائل و بی ثباتیهای مغرب محیط اقتصاد کلان مشخص خواهد شد. از هم گسیختگی و بی نظمی اقتصاد کشاورزی و روستایی موضوع مباحثاتی عمده است. عملکرد بخش کشاورزی از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد، به رغم فرایند شتابان آزادسازی بازار، ناامیدکننده بوده است.

## کشورهای اروپای مرکزی و شرقی

گذار به نظامهای اقتصادی بازار - پایه موجب تقویت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در سال ۱۹۹۵ شد. براساس تولید ناخالص داخلی، ناحیه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی سریعترین توسعه اقتصادی را در اروپا داشت. فعالیت صنعتی رو به بهبود گذاشت و بخش غذایی - کشاورزی بازده بهتری از سال پیش به دست آورد. احتمالاً این نخستین سال دوره گذار بود که تولید

کشاورزی رویه‌رفته رشد مثبتی را نشان داد.

در سال ۹۴ - ۱۹۹۵، ناحیه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در دادوستد کشاورزی خود، بویژه در صادرات، به مسیری رو به گسترش بازگشت. تجدید گسترش دادوستد محصولات کشاورزی و غذایی درون منطقه‌ای و بین کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و دولتهای مستقل مشترک‌المنافع، پیشرفت چشمگیری داشت.

### آفریقا و خاور نزدیک

آفریقا و خاور نزدیک همچنان بامسائل حاد برخاسته از کمبودهای مالی، فشار تورمی، خراب شدن مناسبات تجاری خارجی و بدهی خارجی روبرویند. علاوه بر این، منطقه نسبت به پذیرش اصلاحات موردنیاز به منظور فراهم آوردن محیطی برای توسعه پایدار، کند و بی‌جنب و جوش است.

### ناحیه زیر صحرای آفریقا

به رغم اوضاع نامساعد اقتصادی، عملکردهای اقتصادی بهتر در بسیاری از نقاط آفریقا در سال ۱۹۹۵ از ویژگیهای مثبت محیط اقتصادی جاری جهان بود. برای نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ نرخ رشد اقتصادی (۳/۸ درصد) از نرخ رشد جمعیت (۳ درصد) فراتر رفت. داده‌های اولیه حاکی از عملکرد کم‌تحرک‌تری در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخشهاست. رشد تولید کشاورزی ۲/۳ درصد برآورد می‌شود. بیشتر این رشد مربوط به تولید محصولات فروشی، بویژه قهوه، کاکائو، چای و پنبه است. این عملکرد خوب عمدتاً به حساب بازار بهتر و اوضاع بهبود یافته قیمت‌ها گذاشته شد. رشد تولید غذایی کاملاً پایینتر از نیازهای جمعیتی با رشد شتابان باقی ماند.

### خاور نزدیک و شمال آفریقا

مشکلات اقتصادی، همراه با دوره‌هایی از جنگ داخلی و خشکسالیهای بی‌دری به مفهوم

## وضعیت غذا و کشاورزی در سال ۱۹۹۶

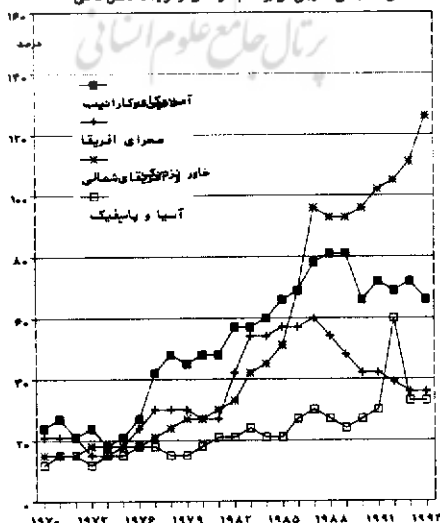
نرخهای رشد اقتصادی عموماً کند و ناپایدار تعبیر شده است. رشد تولید کشاورزی در منطقه از ۲ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۱/۷ درصد در سال ۱۹۹۵ کاهش یافت.

بسیاری از کشورهای منطقه، با پیش از این برنامه‌های اصلاح اقتصادی را پذیرفته‌اند یا هم‌اکنون در حال پذیرش این برنامه‌ها هستند. هدفهای مهم اصلاحات در کشاورزی متضمن افزایش تولید داخلی و حذف یارانه‌های غذایی است. آزادسازی قیمت و مرحله‌بندی (حذف) یارانه‌های مصرف‌کننده در کوتاهمدت موجب فقر و ایجاد مخاطره برای امنیت غذایی شده است.

## دولتهای مستقل مشترک‌المنافع

بیشتر اعضای دولتهای مستقل مشترک‌المنافع از آغاز فرایند گذار در اوایل دهه ۱۹۹۰، با رشد منفی مواجه بوده‌اند. جریان کاهش رشد در سال ۱۹۹۵ شروع به کند شدن کرد و برطبق پیشبینیهای بانک تریم و توسعه اروپا، سال ۱۹۹۶ باید شاهد رشد مثبت آنها باشد. کاهش در تولید کشاورزی در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ ادامه یافت و این بخش به دلیل اضمحلال سیاستهای حمایتی پیشین، کاهش تقاضای ناشی از تقلیل درآمد واقعی، مشکلات مربوط به بازسازی زراعی و خصوصی‌سازی، و بی‌نظمی در دادوستد میان جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی سابق آسیب دیده است. در سال ۱۹۹۵، تنها دو کشور ارمنستان و مولداوی، از نظر تولید کشاورزی رشد داشته‌اند.

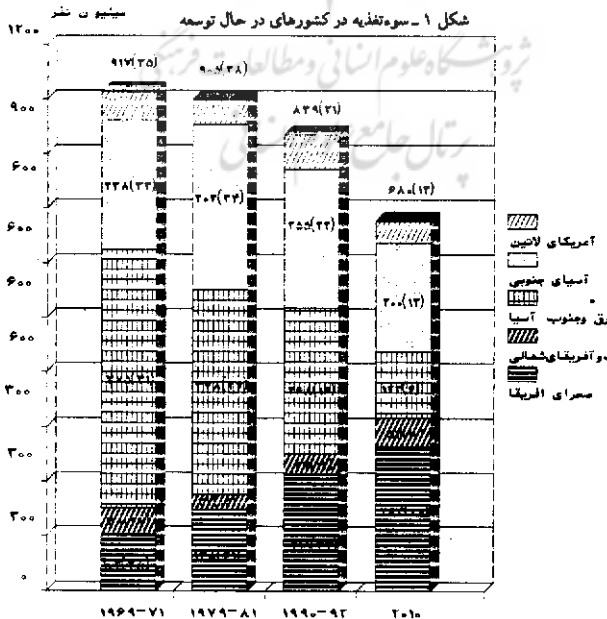
شکل ۷ - بدی خارجی کل بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی



## فصل ویژه

## تقاضای مؤثر: کلید امنیت غذایی

بیشتر کارهای انجام شده گذشته در زمینه امنیت غذایی عمدتاً به جنبه‌های تولیدی کشاورزی مربوط می‌شده است. در حالی که توسعه کشاورزی برای افزایش تولید غذایی ضروری است، از جهت کاهش فقر و ایجاد تقاضای مؤثر، یعنی توانایی مردم در خرید یا تهیه غذا، نیز نقش عمده‌ای برعهده دارد. در حال حاضر، تولید غذایی جهان پاسخگوی تغذیه جمعیت آن نیست، اما بیش از ۸۰۰ میلیون مردم جهان، عمدتاً به سبب نداشتن دسترس مناسب به غذا، گرفتار کم‌غذایی مزمن هستند؛ آنان بسیار فقیرتر و محرومتر از آنند که تقاضای مؤثری در بازار اعمال کنند. تجارب کشورهای که پیشرفت خوبی داشته‌اند و هنوز هم دارند نشان می‌دهد که دولت‌ها مهره‌های اصلی تحقق امنیت غذایی هستند؛ سیاست‌های اقتصادی نیز در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد.



## نقش دولتها

از اوایل دهه ۱۹۸۰، اصلاحات سیاستگذاری در بسیاری از کشورها در جهت حمایت از بازار بزرگتر مبتنی بر اقتصاد آزاد و نظام اقتصادی بازتر، همراه با حرکتی مستقل از مفهوم برنامه‌ریزی شده و دولتی توسعه، بوده است. این موضوع نقش دولتها را در این اوضاع و احوال به طور جدی زیر سؤال برده است. دولت چه کاری می‌تواند انجام دهد که دیگران نمی‌توانند؟ نتیجه بسادگی این است که دولت هم لازم است مهار شود.

تنها دولتها می‌توانند محیط تجاری و اقتصاد کلان مساعد و پایدار لازمه رسیدن به امنیت غذایی ملی را ایجاد کنند. دولتها لازم است که برای رسیدن به پیشرفت، در زمینه زیرساختار سرمایه‌گذاری کنند. همراه با آن باید مفهوم شود که سرمایه‌گذاری در بهبود سرمایه انسانی و اقدام در کاستن از فقر، به جای آنکه از استعداد رشد کشوری بکاهد، بر آن می‌افزاید. معمولاً، این نوع سرمایه‌گذاری متضمن تدارک آن نوع خدمات و زیرساختار است که سهم دولت در آنها بسیار و مطلوب است و احتمال آن که از سوی بخش خصوصی به نحو مناسبی فراهم آید، وجود ندارد.

رسیدن به امنیت غذایی پایدار مستلزم آن است که دولتها در زمینه‌های متفاوت سیاستگذاری عمل کنند. لازم است که سیاستگذاریهای تجاری و اقتصاد کلان، امکان رشد اقتصادی کلی را فراهم آورد و مشوق آن باشد و رقابت در بازارهای صادراتی را افزایش دهد. سیاستگذاریهای بخش کشاورزی باید رشد مداوم و پایدار را ترویج کنند تا هم عرضه غذایی داخلی و هم صادرات کشاورزی، که از نظر کشور مرجع است، افزایش یابد.

در حالی که لازم است رشد اقتصادی به علل زیربنایی ناامنی غذایی بپردازد، نمی‌توان انتظار داشت که این علل را حذف کند. ناامنی غذایی مزمن متداول، حتی می‌تواند رشد اقتصادی درازمدت را هم کند کند، زیرا مردمی که گرسنگی می‌کشند، نمی‌توانند از فرصتهای مربوط به افزایش بهره‌وری و تولید استفاده کنند. علاوه بر این، نابرابریهای ناخوشایند در توزیع درآمد می‌تواند مانع از مشارکت افراد محروم از منابع، در رشد اقتصادی باشد. در حالی که اصلاحات سیاستگذاری معینی ممکن است خود، تأثیرات منفی پایداری بر گروههای آسیب‌پذیر جامعه برجا بگذارد.

## توسعه روستایی همه جانبه

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کشاورزی موتور اقتصاد روستایی و منبع اصلی درآمدهای روستایی است. بنابراین، گرایش بر تأکید در بخش کشاورزی است. استدلال می‌شود که، افزایش بهره‌وری کشاورزی، باعث کاهش قیمت‌های غذایی مصرف‌کننده و افزایش درآمد ملی می‌شود. کاهش قیمت‌های غذایی به معنای آن است که نیازی نیست تا دستمزدهای شهری آن چنان بالا رود که به اشتغال بیشتر و تولید فراوانتر کل نظام اقتصادی بینجامد. در عین حال، افزایش تولید کشاورزی، برای سایر کالاها و خدمات، تقاضای مؤثر ایجاد می‌کند. در نتیجه، قیمت‌های نسبی (روابط مبادلاتی) به سود بخش‌های غیرکشاورزی جابه‌جا می‌شود. منابع، از جمله کار و سرمایه، از کشاورزی تغییر جا می‌دهند و باعث رشد در بخش‌های غیرکشاورزی می‌شوند.

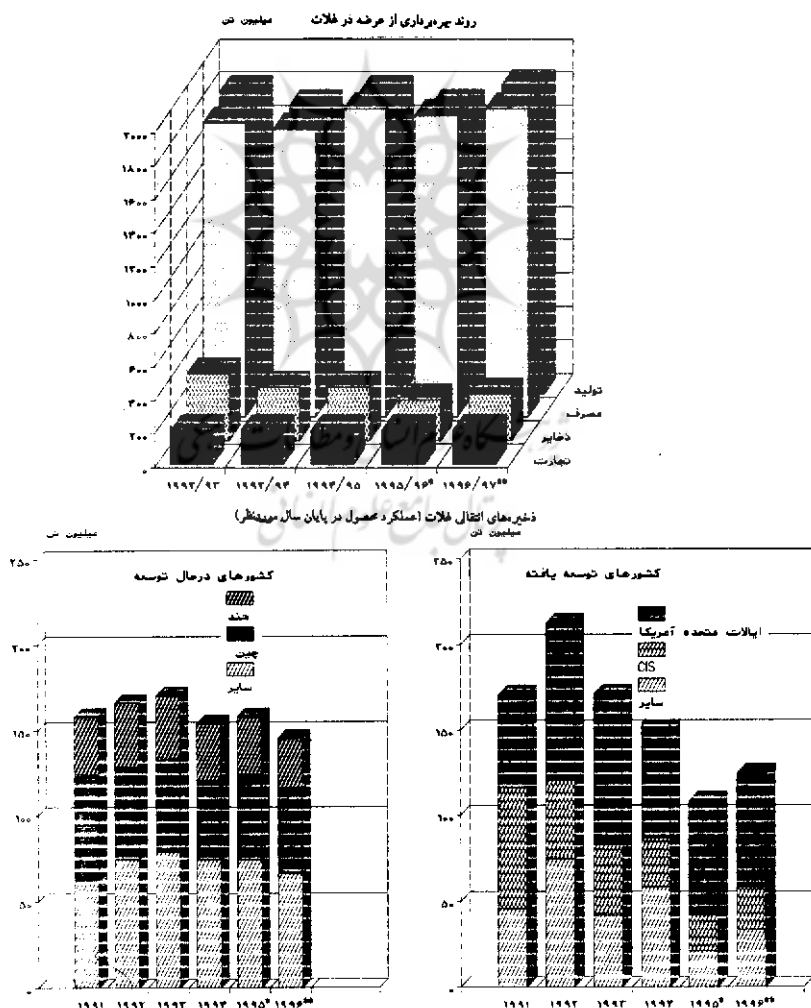
به هر حال، مسأله تا حدودی دشوارتر است چون کشاورزی در محدوده اوضاع و احوال اقتصاد کشاورزی فعالیت می‌کند که معرف زیرمجموعه پیچیده‌ای از اقتصاد ملی است که خود فراتر از هر بخش مستقل است. در عین حال، فقرای بی‌زمین وابستگی بسیار و فزاینده‌ای بر منابع درآمد غیرکشاورزی (از قبیل صنایع دستی، خدمات، وجوه و دستمزدهای غیرکشاورزی) دارند که روی هم رفته ممکن است برابر درآمد آنان از کشاورزی یا حتی بیشتر از آن باشد. بسیاری از کشاورزان جزء خریداران و هم مصرف‌کنندگان غذا هستند. بنابراین، آشکار است که امنیت غذای روستایی علاوه بر توسعه کشاورزی مستلزم توسعه اقتصاد روستایی به طور کلی است.

توسعه اقتصاد روستایی، به کمک توسعه کشاورزی به عنوان نیروی محرکه اصلی آن، باید متضمن منافع عمده برای اقتصاد شهری باشد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فقدان رشد اقتصاد روستایی موجب بروز مشکلات چشمگیری می‌شود زیرا محرک مهاجرت از روستا به مراکز شهری ناتوان از جذب جمعیت جدید است. یارانه‌های غذایی، که به مصرف‌کنندگان شهری بیش از روستاییان نفع می‌رساند، خود مشوق دیگری بر تشدید مهاجرت شده است. وضع دشوار کنونی که معلول مهاجرت اضافی به مراکز شهری است، با اتخاذ سیاست‌های کاهش‌دهنده تقاضا، که بخش بسیاری از برنامه‌های تعدیل ساختاری را تشکیل می‌دهد، بدتر می‌شود. برنامه‌های تعدیل



## وضعیت غذا و کشاورزی در سال ۱۹۹۶

ساختاری مربوط به کاهش اشتغال در بخش دولتی، کاهش یارانه‌های غذایی، وضع مالیاتهای غیرمستقیم و تنزل دستمزدهای واقعی تأثیر منفی بی‌تناسبی بر فقرای شهری دارد که میزان وقوع ناامنی غذایی شهری را افزایش می‌دهد. کاهش فرصتهای اشتغال و دستمزدهای واقعی در بخش دولتی عرضه کار را در بخش خصوصی افزایش می‌دهد، که خود حتی موجب کاهش بیشتر دستمزدها در میان کارگران می‌شود. پیوندهای این کارگران شهری با جوامع روستایی، بویژه از طریق خریدهای غذایی ارزانتر و ارسال وجوه، باعث می‌شود که دست کم برخی از این پیامدهای منفی در اقتصاد روستایی احساس شود.

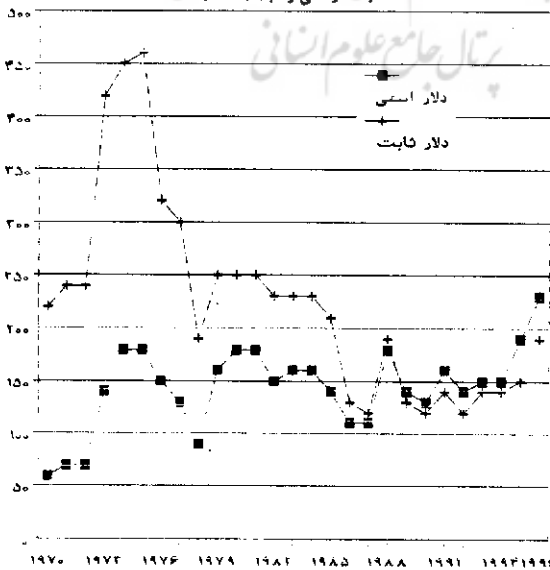


## رشد اقتصادی عادلانه: کلید امنیت غذایی

رشد اقتصادی درازمدت همه جانبه، پیش شرط بهبود امنیت غذایی است. این رشد باید الزاماً متضمن توسعه اقتصاد روستایی به طور کلی و پیوندهای بسیار تقویت شده در محدوده اقتصاد روستایی و بین اقتصاد روستایی و شهری باشد. اما رشد به خودی خود کافی نیست. لازم است که به رشد عادلانه همگانی توجه شود. اگرچه شمار افراد بی بهره از امنیت غذایی ممکن است در مناطق روستایی بیشتر باشد، اما با در نظر گرفتن پیوندهای بین جمعیت‌های شهری و روستایی، فقر و ناامنی غذایی در هر گروه (شهری یا روستایی)، پیامدهای منفی خود را بر گروه دیگر هم برجا خواهد گذاشت.

اتخاذ سیاست‌های مربوط به رشد عادلانه بستگی به اداره سیاسی دولتها دارد. ایجاد امنیت غذایی در هر کشوری، در مسئولیت دولت ملی در ارتباط با مقامات محلی و کار با جامعه داخلی است و باید در اختیار دولت ملی باشد. مؤسسات و جامعه بین‌المللی می‌توانند کمک کنند، اما نمی‌توانند جان‌نشین دولتها شوند. موفقیت‌های به دست آمده تا این تاریخ اساسی بوده است. سیاست‌های اقتصادی منطقی که بر رشد عادلانه تأکید دارد در این توفیق نقش داشته و می‌تواند در آینده هم نقش داشته باشد.

شکل ۳- قیمت‌های صادرات غلات بر حسب تن ۱۹۷۹-۱۹۹۶  
به دلار اسمی و ثابت (۱۹۹۰)



## سر فصلهای ویژه

### کشاورزی شهری

کشاورزی شهری در سالهای اخیر تحت تأثیر عواملی چون رشد مناطق شهری در کشورهای توسعه یافته، وخیم شدن اوضاع و احوال فقرای شهری، اختلال در عرضه مواد غذایی به سبب کشمکش و بلایای طبیعی و کمی مواد غذایی برخاسته از پسروری زیستمحیطی و منابع محدود، موجب جلب علاقه فزاینده‌ای شده است. ادعا می‌شود که ۲۰۰ میلیون کشاورز شهری غذای مورد نیاز ۷۰۰ میلیون، یا حدود ۱۲ درصد جمعیت جهان، را تأمین می‌کنند. کشاورزی شهری منافع اقتصادی، تفریحی و بوم‌شناختی را عرضه می‌دارد، اما دست‌اندرکاران آن ممکن است با موانع متعدد، بویژه در ارتباط با استفاده از زمین، مواجه شوند. گزارش سازمان خواربار و کشاورزی جهانی تحت عنوان وضعیت غذا و کشاورزی (سوفا) نوع سیاستها و حمایتی را که کشاورزی شهری در پرتو استعداد عظیم خود در بهبود اوضاع زندگی در شهرهای جهان سزاوار آن است، بیان می‌کند.

### فن آوری اطلاعاتی

به کارگیری فن آوری اطلاعاتی در کشاورزی موجب استفاده از فرصتهای گوناگونی می‌شود. به هر حال، یک مسئله عمده آن است که فاصله بین کشورهای تاکنون برخوردار از فن آوری اطلاعاتی و منابع لازم در توسعه این فن آوری و کشورهایی که از این زمینه‌ها برخوردار نیستند، برطرف شود. کشورهای کم درآمد کمتر توسعه یافته، به طور متوسط، برای هر ۱۰۰۰ نفر تنها سه خط تلفن دارند، در حالی که این رقم در مورد کشورهای توسعه یافته بیش از ۴۰۰ است. گزارش سوفا موانع موجود بر سر راه استفاده بیشتر از فن آوری اطلاعاتی در کشورهای توسعه و مسائل سیاستگذاری مربوط به گسترش اطلاعاتی و استفاده از آن در کشاورزی و نوع فرصتهایی را که این فن آوری در قبال این موانع به وجود می‌آورد، مورد بحث قرار می‌دهد.

### بیابانی شدن

از دست رفتن زمین مولد و تبدیل آن به بیابان موضوعی متداول و رو به افزایش است. در حدود ۷۰ درصد اراضی خشک جهان، یعنی بیش از ۲۰ درصد سطح زمین سیاره ما، تاکنون به درجاتی دچار پسروری و سیر قهقرایی شده است. گزارش سوفا وسعت و علل این بیابانی شدن در مناطق گوناگون، اقدامهای سیاستگذاری به منظور پیشگیری و مبارزه با آن و نقش عوامل متفاوت دولتی و خصوصی درگیر در استفاده و مدیریت زمین را بررسی می‌کند. این گزارش همچنین به مرور جنبه‌های فنی و قانونی استفاده از زمین و راههای محتمل محدود کردن مسائل "دوره دوم" پسروری زمین مرتبط با فن‌آوریهای زراعی متمرکز، می‌پردازد.

### خدمات پشتیبانی

با توسعه بیشتر شیوه‌های کشاورزی، خدمات پشتیبانی موردنیاز آنها به نحوی روزافزون، از جهت وسعت و ماهیت، متنوع می‌شود. گزارش سوفا جنبه‌های متفاوت خدمات پشتیبانی کشاورزی موردنیاز را بررسی می‌کند و اوضاع و احوالی را مورد بحث قرار می‌دهد که در آن بخش خصوصی بهتر از دولت می‌تواند این خدمات را تدارک بینند. خدمات اطلاعاتی و پژوهشی مسائل خاصی به وجود می‌آورند، همچنان که به هنگام کناره‌گیری بخش دولتی از ارائه خدمات پشتیبانی یا تجاری کردن آنها، در جریان این تحولات، نیز مشکلاتی بروز می‌کند.